

سیاست داخلی ایران چه چشم‌اندازی خواهد داشت؟ پژوهشگران، اندیشه‌ورزان و روزنامه‌نگاران درگفت‌وگو با «فرهیختگان» در این ویژه‌نامه از ایده‌هایشان گفته‌اند

آیندهٔ ایران را بخوانید

فضای سیاسی ایران در کمتر از یک دهه گذشته، تحولات و التهاباتی را پشت سر گذشته، که نقطه اوج آن در ۱۴۰۱ بروز و ظهور داشت. همچنین سیر نزولی میزان مشارکت در انتخابات خصوصاً از ۹۸ به این سو، ضرورت شناخت و پس از آن بازتعریف از آیندهٔ سیاست در ایران را ضروری می‌کند. ویژه‌نامه «آیندهٔ ایران» تلاش دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که باتوجه به تصویر تغییرات اجتماعی و تحولات سیاسی که در انتخابات گوناگون ظهور و بروز داشته، چه چشم‌اندازی پیش روست؟ و چطور می‌توان حد اکثر بهره‌برداری از این چشم‌انداز را به نفع امر ملی و انقلابی داشت؟ بر این اساس با پژوهشگران،



عبدی در این مصاحبه به‌طور ویژه بر اهمیت وفاق به‌عنوان پیش‌شرط پیشرفت سیاسی و اجتماعی تأکید می‌کند. او معتقد است که یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات دولت حسن روحانی، نادیده گرفتن وفاق درونی حکومت و وفاق میان حکومت و مردم بود. عبدی توضیح می‌دهد که روحانی در دوره نخست خود، با موفقیت در برجام، توجه زیادی به سیاست خارجی کرد؛ اما این موفقیت را به سیاست داخلی منتقل نکرد. او با اتخاذ مواضع رادیکال در انتخابات ۹۶ و ورود به تقابل با سیستم، زمینه کاهش اعتماد و تضعیف وفاق را فراهم کرد. در مقابل، عبدی باور دارد که مسعود پزشکیان این اشتباه را تکرار نخواهد کرد، زیرا وفاق را به‌عنوان پایه‌ای برای اقدامات خود می‌پذیرد. پزشکیان، برخلاف روحانی، سیاست داخلی را در اولویت قرار داده و تلاش می‌کند تا از طریق تعامل و اعتمادسازی، مسیر اصلاحات را هموار کند. به اعتقاد او، پزشکیان نه‌تنها رئیس‌جمهور اصلاح‌طلبان، بلکه رئیس‌جمهور کل نظام است و این ویژگی می‌تواند حمایت رهبری را نیز به همراه داشته باشد. در نهایت، عبدی تأکید دارد که توجه به وفاق و گفت‌وگو کلید موفقیت دولت پزشکیان خواهد بود.

عباس عبدی: پزشکیان برخلاف روحانی به تقابل با سیستم نمی‌رود

عبدی در این مصاحبه به‌طور ویژه بر اهمیت وفاق به‌عنوان پیش‌شرط پیشرفت سیاسی و اجتماعی تأکید می‌کند. او معتقد است که یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات دولت حسن روحانی، نادیده گرفتن وفاق درونی حکومت و وفاق میان حکومت و مردم بود. عبدی توضیح می‌دهد که روحانی در دوره نخست خود، با موفقیت در برجام، توجه زیادی به سیاست خارجی کرد؛ اما این موفقیت را به سیاست داخلی منتقل نکرد. او با اتخاذ مواضع رادیکال در انتخابات ۹۶ و ورود به تقابل با سیستم، زمینه کاهش اعتماد و تضعیف وفاق را فراهم کرد. در مقابل، عبدی باور دارد که مسعود پزشکیان این اشتباه را تکرار نخواهد کرد، زیرا وفاق را به‌عنوان پایه‌ای برای اقدامات خود می‌پذیرد. پزشکیان، برخلاف روحانی، سیاست داخلی را در اولویت قرار داده و تلاش می‌کند تا از طریق تعامل و اعتمادسازی، مسیر اصلاحات را هموار کند. به اعتقاد او، پزشکیان نه‌تنها رئیس‌جمهور اصلاح‌طلبان، بلکه رئیس‌جمهور کل نظام است و این ویژگی می‌تواند حمایت رهبری را نیز به همراه داشته باشد. در نهایت، عبدی تأکید دارد که توجه به وفاق و گفت‌وگو کلید موفقیت دولت پزشکیان خواهد بود.

پرویز امینی: تا اطلاع ثانوی سیاست داخلی در وضعیت تعلیق قرار دارد

به باور پرویز امینی، سیاست داخلی ایران در سال‌های اخیر به‌شدت تحت تأثیر مسائل خارجی و تحولات منطقه‌ای بوده است. او معتقد است که از زمان اعمال تحریم‌های گسترده در سال ۱۳۹۰، مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور به مسائل بین‌المللی گره خورده‌اند. این موضوع به‌ویژه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ برجسته شد، جایی که دولت منتخب برای حل چالش‌های داخلی، تمرکز خود را بر سیاست خارجی قرار داد. امینی همچنین به تغییرات ساختاری در نظم بین‌المللی اشاره می‌کند و کاهش نفوذ آمریکا و ظهور قدرت‌هایی همچون چین و روسیه را عامل چالش نظم تک‌قطبی می‌داند. به اعتقاد او، منطقه غرب آسیا در این میان به صحنه‌ای کلیدی برای رقابت‌های جهانی تبدیل شده است. او می‌افزاید تحولات منطقه‌ای مانند پیمان ابراهیم، عادی‌سازی روابط کشور های غربی با اسرائیل و پروژه‌هایی نظیر کریدور IMEC، در تلاشند نظم جدیدی برای منطقه تعریف کنند.

حسین شهرستانی: نیروی انقلابی نباید مصرف شود

شهرستانی در این مصاحبه با اشاره به ویژگی‌های برجسته حاج قاسم سلیمانی، او را نماد واقعی یک نیروی انقلابی توصیف می‌کند. به گفته شهرستانی، حاج قاسم نه‌تنها فرمانده‌ای شجاع در میدان نبرد، بلکه فردی بود که ویژگی‌های انسانی و اخلاقی را در کانون نگاه خود قرار داده بود. شهرستانی تأکید می‌کند نیروی انقلابی نباید صرفاً در مواقع جنگ یا بحران‌ها مصرف شسود، بلکه باید به‌گونه‌ای تربیت شسود که در همه عرصه‌ها حضور فعال و مؤثر داشته باشد. او همچنین اشاره می‌کند که حاج قاسم همیشه به وحدت میان ملت‌ها و جلوگیری از تفرقه توجه ویژه‌ای داشت و می‌دانست که باید در مواقع حساس، هوشمندانه عمل کند. شهرستانی معتقد است که نیروی انقلابی باید انسانی، متعهد و مردم‌محور باشد؛ فردی که به ارزش‌ها و آرمان‌های عالی انسانی پایبند است. حاج قاسم همیشه با تمامی افراد، از ساده‌ترین سربازان تا فرماندهان ارشد، ارتباطی صمیمی و انسانی برقرار می‌کرد و این رفتار انسانی راز محبوبیت او بود.

محمد جواد کاشی: ایده سیاست به‌مثابه ضیافت را باید احیا کرد

کاشی، جامعه‌شناس در تحلیل خود به دو نوع سیاست، یعنی سیاست حقیقت و سیاست قدرت می‌پردازد. سیاست حقیقت بر دوگانه حق و باطل استوار است و معمولاً به دنبال تحمیل یک حقیقت مطلق به عرصه سیاسی است که این امر منجر به سرکوب تنوع و کثرت سیاسی می‌شود. در مقابل سیاست قدرت به دنبال حفظ قدرت در میدان‌های سیاسی متکثر است و نیاز مند پذیرش تنوع و استفاده از روابط انسانی همچون دوستی و عشق برای ایجاد هماهنگی است. کاشی به بحران‌های ناشی از تمرکز بر سیاست حقیقت در ایران اشاره کرده و معتقد است که برای پیشرفت سیاسی باید به سیاست قدرت بازگشت. او همچنین به وضعیت کنونی سیاست ایران اشاره کرده و آن را در حال عبور از یک دوران گذار می‌بیند. فضای سیاسی ایران را بی‌نام و بی‌هویت توصیف کرده و معتقد است این فضا باید پر شسود تا معنای واقعی پیدا کند. کاشی از لزوم تجربه به حکمرانی واقع‌گرایانه و بازتاز شدن فضای سیاسی به‌منظور مشارکت نیروهای مختلف در یک «ضیافت» جمعی دفاع می‌کند. او وضعیت کنونی را فرصتی برای تحول و بازآفرینی سیاست ایران می‌داند.

سعید آجورلو: نیازمند سیاست داخلی مستقر هستیم

آجورلو، تحلیلی از انتخابات ۱۴۰۳، فضای جامعه، نیروی سیاسی و وضعیت پیش روی دولت ارائه می‌کند. او معتقد است «ما باید به یک نظریه منسجم درباره سیاست داخلی برسیم. همان‌طور که در سیاست خارجی به یک ادبیات و چهارچوب مشخص رسیدیم.» آجورلو معتقد است ما با یک سیاست داخلی دو جناحی و چهارطیفی مواجه هستیم و در هر دو جناح چپ‌وراست و با دو طیف ناب‌گرا و میانه‌ه مواجه هستیم و «چاره‌ای جز به رسمیت شناختن آن‌ها نداریم.» و اشاره می‌کند آنچه در حال حاضر در فضای سیاست داخلی به آن نیاز داریم، به رسمیت شناختن یکدیگر است و نباید بگذاریم دوگانه‌بغا. ناپودی، بر سیاست داخلی حاکم شسود. گزاره بعدی که به آن تأکید می‌کند، «پافشاری بر تداوم سیاست داخلی است» و پس از آن باید رقابت را به رسمیت شناخت. مجموع این موارد می‌تواند، سیاست داخلی منطقی و بلندمدت را مستقر کند و آنچه ما به آن نیاز داریم، «سیاست داخلی مستقر است.»

مصطفی غفاری: بین ایده‌های مقاومت و توسعه رابطه متوازن وجود دارد

مصطفی غفاری، استاد دانشگاه امام صادق در مصاحبه خود به این موضوع اشاره کرد که مردم «معنی واقعی و ضمنی کشش‌های سیاسی» ما را بهتر از گفتار‌ها که بیشتر در قالب گفتاردرمانی بیان می‌شود، «درک می‌کنند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند.» غفاری در تحلیل علل بروز ناآرامی‌های ۱۴۰۱، گفت: «اگر در ۱۴۰۱ شاهد میل به سمت کشش جمعی بودیم به این دلیل بوده که گویی این وجه سال‌ها در واقعیت اجتماعی ما مغفول یا دچار عدم توازن بوده است.» و آن اعتراضات، سرریز خشم عمومی نسبت به این مسئله بوده است. غفاری بزرگ‌ترین چالشی که در نظریه عملی داشتیم را این دانست که نتوانستیم «توازن و توسعه مقاومت و تلازمش را نشان دهیم» و نتوانستیم نشان دهیم که چگونه ایده مقاومت می‌تواند به توسعه کمک کند. در حوزه نظری هم جای خالی این موضوع وجود دارد. «در هیچ کدام از اضلاع محور مقاومت، نه کشور‌های توسعه‌یافته به معنی مورد پذیرش عرف و جامعه علمی بوده و نه در طول یکی دو دهه اخیر، به سمت توسعه‌یافتگی، پیش رفته‌اند.» و با هر شاخصی بستنجیم وضعیت قابل تأیید نیست.

عباس کاظمی: پیش‌شرط رشد جامعه به رسمیت شناختن آن است

کاظمی تأکید می‌کند برای پیشرفت و تحول در جامعه یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌ها این است که جامعه به رسمیت شناخته شود. او به این نکته اشاره دارد که در بسیاری از مواقع جامعه به‌عنوان یک موجود زنده و فعال که نظرات، خواسته‌ها و نیازهای خاص خود را دارد نادیده گرفته می‌شود. کاظمی معتقد است اگر جامعه خواسته‌ها و مشکلات خود را به‌درستی بیان کند و این خواسته‌ها جدی گرفته‌شود آنگاه فرایندهای تغییر و تحول به‌طور مؤثرتری به وقع خواهند پیوست. او همچنین به نقش فرهنگ و ادب در این فرایند اشاره می‌کند و می‌گوید که ادبیات و هنر می‌توانند پلی باشند برای شناخت بیشتر جامعه از خود و دیگران. به باور کاظمی شناخت عمیق‌تر از جامعه و مسائل آن می‌تواند باعث ایجاد یک فضا برای گفت‌وگو و تعامل مثبت میان اقشار مختلف جامعه شود. او بر این باور است که در صورتی که جامعه خود را در تصمیم‌گیری‌های کلان و مهم به‌طور فعال وارد کند و از حاشیه‌نشینی نجات یابد به‌تدریج به سمت یک تحول واقعی و پایدار حرکت خواهد کرد.



اندیشه‌ورزان و روزنامه‌نگاران گفت‌وگو شده تا ضمن تحلیل فضای سیاسی و با توجه به تحولاتی که پشت سر گذاشتیم، تصویری از آنچه در آینده بر سیاست ایران خواهد گذشت، ارائه شود. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخش‌های مهمی از گفتارهای کارشناسان و استادان دانشگاه ایرانی و غیرایرانی است که مشروح آن در ویژه‌نامه «آیندهٔ ایران» آمده است.

محمد رضا تاجیک: سیاست در جامعه ما به خودش خیانت کرده است

تاجیک معتقد است ما سیاست راستین را در سال‌های پسا انقلاب تجربه نکردیم، وی گفت: «آنچه به سیاست خیانت می‌کند، خود سیاست است. سیاست در جامعه ما به خودش خیانت کرده است.» تاجیک در ادامه اشاره کرد: «آنچه به‌عنوان سیاست در دوران پس از انقلاب، تجربه کردیم یک ترکیب گنگ و گیج از کهن سیاست، فراسیاست، پیرامسیاست و پسا سیاست بود که رانسیر آن را تعریف کرد و آنچه در این مدل از سیاست باقی می‌ماند، خود نام است نه چیز دیگری.» به اعتقاد تاجیک، در ساخت سیاسی باید به‌مثابه یک نخ تسبیح عمل کرد «نه اینکه دانه‌های تسبیح را در دیگ بجوشانی که همه به یک دانه بدل شوند، آن هرچه باشد، دیگر تسبیح نیست.» نخ تسبیح ما گنجایش یکی دو دانه، تسبیح را داشتست و بقیه دانه‌ها، بیرون ماندند. به تعبیر تاجیک «نخ تسبیح ما نتوانست، کتشر اجتماعی، کتشر هویتی، کتشر زبانی و کتشر جنسیتی را با حفظ هویت متکثرشان به هم وصل کند.»

حسین صفارهرندی: چهارچوب‌ها و اصول درستی برای سیاست‌ورزی نداریم

حسین صفارهرندی، سیاست‌ورز قدیمی و وزیر ارشاد دولت احمدی‌نژاد، معتقد است اساساً چیزی تحت عنوان حزب در فضای سیاسی ما وجود ندارد و مشکل اصلی ما در سیاست‌ورزی این است که «ما چهارچوب‌ها و اصول درستی برای سیاست‌ورزی نداریم. بیشتر اوقات، توسط امواج راهبری می‌شویم.» صفارهرندی رفتار ما را در فضای سیاسی قبیله‌گرایانه تعریف و اشاره کرد، همین موضوع باعث ضعف در نتیجه می‌شود و «حساب و کتاب‌دار شدن اقدامات و فعالیت‌ها در سیاست، باعث می‌شود، تشخیص درستی داشته باشیم.» صفارهرندی تأکید کرد «هرکس برنامه‌ریزی‌های خوبی دارد، لزوماً نمی‌تواند، رئیس‌جمهور خوبی باشد؛ اما قطعاً می‌تواند صرفاً شاعر دهنده باشد.» هرندی معتقد است، ما چاره‌ای جز «تکیه بر موضوعات مستترک و توافق برسر آن‌ها نداریم. اما عده‌ای هم در دولت وجود دارند که به نام وفاق کارهایی انجام می‌دهند که ضد وفاق ملی است.»

عباس سلیمی‌نمین: شورای نگهبان در مشارکت مؤثر است

سلیمی‌نمین مشکل اصلی در فضای سیاسی در جامعه را ضعف در پاسخگویی به مسائل ذهنی تعریف کرد. اوایل انقلاب «حرکت اقلعی قوی را شاهده بودیم» و ششخصیت‌هایی همچون آیت‌الله خامنه‌ای هر هفته در مساجد مختلف حاضر می‌شدند و به پرسش‌های حاضران جواب می‌دادند و ابهامات را برطرف می‌کردند و این منجر به بازشدن گره‌های ذهنی افراد می‌شد، زمانی که این اتفاق می‌افتد، «مشارکت در انتخابات برای او مطلوب می‌شود و با نظام سیاسی که پیوند عمیق دارد، همراه می‌شود.» عباس سلیمی‌نمین به عواملی که منجر به افزایش مشارکت سیاسی خاصاً در انتخابات می‌شود هم اشاره کرد و نقش شورای نگهبان هم در افزایش و هم در کاهش مشارکت را مؤثر دانست. او معتقد است تأکید شورای نگهبان که ما به مرّ قانون عمل می‌کنیم؛ کاری نداریم مشارکت زیاد یا کم می‌شود، از نظر منبئایی استدلال غلطی است.

میلاد دخانچی: شریعتی مفاهیم اسلامی را به نیازهای جامعه پیوند می‌زد

دخانچی به تحلیل رابطه میان اندیشه‌های شریعتی و آینده سیاست در ایران پرداخته است. او تأکید می‌کند که شریعتی به‌عنوان یک روشنفکر دینی، در تلاش بود تا مفاهیم اسلامی را با نیازهای اجتماعی و سیاسی زمانه پیوند دهد. دخانچی اشاره دارد که شریعتی نه‌تنها به نقد وضعیت موجود و بازسازی جامعه از طریق اصول اسلامی می‌پرداخت، بلکه او به تأسیس ساختارهای سیاسی جدید مبتنی بر ارزش‌های اسلامی اعتقاد داشت. به گفته دخانچی، شریعتی برای بسیاری از نسل‌های بعدی، به‌ویژه در دوران انقلاب اسلامی، الگوری فکری برای مقابله با سلطنت و استبداد ایجاد کرد. دخانچی همچنین به اهمیت نقش روشنفکران دینی در شکل دهی آینده سیاست ایران اشاره کرده و بیان می‌کند که اندیشه‌های شریعتی هنوز می‌تواند در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار باشد. او معتقد است شریعتی به دنبال ایجاد یک تحول اساسی در ایران بود که به بازنگری در سیاست، مذهب و روابط اجتماعی منتهی شود.

مجید حسینی: هژمونی غنی نژاد–علی نژاد، مانع از شکل‌گیری عدالت است

حسینی، اتفاقات و رویدادهایی را که در فضای مدیریتی و رسانه‌ای کشور رخ می‌دهد، در یک ساخت هژمونیک صورت‌بندی می‌کند و آن را هژمونی غنی نژاد_علی نژاد، معرفی می‌کند. حسینی معتقد است هراتفاقی که در بدنه و جنبش‌های اجتماعی و مردم شکل بگیرد، «توسط منافع تبلیورالیسمی مصادره می‌شود.» برای مثال اگر گفته می‌شود آنچه در هفت‌تپه رخ داده به ضرر کارگرواست، باید طرف عدالت بایستید اما آن‌ها می‌گویند که اتفاقاً اگر خصوصی‌سازی کنیم، به نفع کارگران هفت‌تپه است. اگر بنزین را گران کنیم، فقرا برنده می‌شوند. اگر بیمارستان‌ها را خصوصی کنیم و مدارس را غیرانتفاعی، اتفاقاً به نفع فقراست و این فقرا ایند که در مدارس غیرانتفاعی تحصیل کرده‌اند. و سؤالی که مطرح می‌کند این است که «آیا ایده‌پردازان جدید می‌توانند این هژمونی را بشکنند؟» و در ادامه گفت: «من جواب این را کامل نمی‌دانم و خودم از کسانی هستم که باید تلاش کنم که این هژمونی بشکند.»

حمید دهقانیان: مشارکت مردم، دولت‌ها را وادار به پاسخگویی می‌کند

دهقانیان در مصاحبه با «فرهیختگان» اشاره کرده است که در آینده شاهد صعود امر سیاسی و افزایش مشارکت مردم خواهیم بود. او معتقد است که این روند در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی ایران رشد قابل توجهی خواهد داشت. به گفته او، مردم در انتخابات و دیگر فرایندهای سیاسی به دلیل احساس مسئولیت و تعلق به سرنوشته خود، مشارکت خواهند کرد. دهقانیان توضیح می‌دهد مشارکت مردم نه‌تنها به بهبود فرایندهای سیاسی کمک می‌کند، بلکه به دولت‌ها این پیام را می‌رساند که باید بیشتر به نیازها و مطالبات مردم توجه کنند. او تأکید دارد اگر دولت‌ها نتوانند پاسخگویی این مطالبات باشند یا کارآمدی لازم را نداشته باشند، مردم از مشارکت فاصله خواهند گرفت. دهقانیان این امر را به عنوان یک نوع بازخورد می‌داند که در صورت عدم توجه به خواسته‌های مردم، به‌تدریج منجر به کاهش مشارکت خواهد شد. به‌طور کلی، او بر این باور است که آینده سیاسی ایران با تأکید بر مشارکت مردم، به جایی خواهد رسید که دولت‌ها باید به‌طور مداوم پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشند.

کاوانا: تنها راه ما اجتناب از قدرت سکولار است

ویلیام کاوانا، استاد الهیات دانشگاه دِ پال در این مصاحبه بر این نکته تأکید می‌کند که تنها راه پیش روی جوامع، اجتناب از تئوکراسی و قدرت سکولار است. او معتقد است استفاده از قدرت دولت برای تحمیل یک سنت مذهبی از طریق خشونت، اشتباهی است که برخی از مسیحیان ملی‌گرا در آمریکا مرتکب می‌شوند. به نظر کاوانا، چنین تلاش‌هایی نه تنها منجر به سکولاریسم بیشتر می‌شود، بلکه مردم را از تلاش‌های قهری برای تحمیل ایمان دینی من‌جز می‌سازد. او تأکید می‌کند به جای آن، باید به دنبال راه‌هایی برای حمایت از جوامع محلی و زندگی مشترک با ارزش‌های انسانی و مراقبت از زمین و افرادی که از فقر رنج می‌برند، باشیم. کاوانا همچنین می‌گوید نباید به دنبال تحقق یک سیستم سیاسی جهانی یا ایدئولوژی یکسان باشیم؛ بلکه بهتر است در راستای خیر مشترک، جوامع کوچک و محلی را تقویت کنیم و از قدرت دولت‌های بزرگ و بازار جهانی اجتناب کنیم. او در نهایت بر لزوم احترام به تنوع‌های دینی و فرهنگی و تلاش برای زندگی مشترک با تفاوت‌ها تأکید می‌کند.